

ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل برای دفاع اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در مقابل تحریم‌های ایالات متحده آمریکا

حسین خلف رضایی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۲۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۲/۲۹

فصلنامه آفاق امنیت / سال هشتم / شماره بیست و نهم - زمستان ۱۳۹۴

چکیده

پاسداشت صلح و امنیت بین‌المللی و توسعه روابط دوستانه بین ملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل از مهم‌ترین اهداف تأسیس سازمان ملل متحد بوده است. منشور ملل متحد دولت‌ها را نه تنها از کاربرد زور در روابط بین‌المللی بازداشته، بلکه از تهدید به آن نیز منع کرده است؛ در حالی که دولت آمریکا از آغازین سال‌های تأسیس جمهوری اسلامی، رویکرد تهدید زورمدارانه علیه ملت ایران را سرلوحه اقدامات خود قرار داده و انواع فشارها از جمله فشارهای اقتصادی را بر ایران تحمیل کرده است. ایالات متحده با وضع تحریم‌های یکجانبه و نقض مصونیت قضایی دولت ایران به طور مستقیم و غیرمستقیم دارایی‌ها و منافع اقتصادی ملت ایران را مورد تهدید و دست‌اندازی قرار داده است.

این مقاله با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با استناد به اسناد و رویه‌های بین‌المللی به ارزیابی دو اقدام از مهم‌ترین اقدامات خصمانه دولت آمریکا علیه منافع اقتصادی دولت و ملت ایران یعنی تحریم و صدور احکام قضایی و راهکارهای قانونی واکنش به آنها از منظر حقوق بین‌الملل پرداخته و به این نتیجه رهنمون شده است که این اقدامات علاوه بر نقض الزامات حقوق بین‌الملل عام، با تعهدات قراردادی ایالات متحده در برابر ایران نیز مغایرت داشته و دولت ایران علاوه بر سازوکارهای عام حقوق بین‌الملل از سازوکارهای توافقی و خاص نیز برای واکنش و مقابله با رفتار متخلفانه ایالات متحده برخوردار است.

واژگان کلیدی

تحریم، زور، اقدامات متقابل، حقوق بین‌الملل، مصونیت قضایی دولت



مقدمه

تحریم که از دیرباز یکی از ابزارهای سیاست ملی بوده، با ظهور سازمان‌های بین‌المللی و نهادین شدن روابط بین‌المللی، به صورت اقدامی جمعی و در راستای نیل به منافع جمعی درآمده است؛ چنان‌که در منشور ملل متحد پیش‌بینی شده است که شورای امنیت پس از احراز وضعیت تهدید یا نقض صلح یا عمل تجاوز می‌تواند چنین تصمیم‌هایی اتخاذ کند (رک: ماده ۳۹ منشور ملل متحد). ماده ۴۱ منشور ملل متحد این اقدامات را «شامل متوقف ساختن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی» برشمرده است؛ از این رو، با نهادین شدن این سازوکار به عنوان یکی از ابزارهای ضمانت بخشیدن به تعهدات بین‌المللی در قالب فصل هفتم منشور ملل متحد، تداوم اعمال آن از جانب دولت‌ها چه به صورت فردی یا مشترک با تردیدهای جدی مواجه شده است.

علاوه بر این، با ظهور اصل ممنوعیت تهدید یا توسل به زور در روابط بین‌المللی (بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد) در قالب قاعده‌ای آمره، تابعان حقوق بین‌الملل نه تنها از به کار بردن قوای قهریه و نظامی در روابط بین‌المللی بازداشته شده‌اند، بلکه از تهدید به کاربرد زور نیز منع شده‌اند. همچنین بر اساس بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد، سازمان و دولت‌های عضو، حق مداخله در اموری را که در قلمرو صلاحیت انحصاری دولت‌ها قرار می‌گیرد، نخواهند داشت.

از سوی دیگر، مصونیت قضایی دولت‌ها یکی از اصول حقوق بین‌الملل عرفی است که به موجب آن، دادگاه‌های داخلی یک دولت صلاحیت قضاوت درباره اقدامات سایر کشورها را ندارند؛ چنان‌که در قانون مصونیت دول خارجی ایالات متحده (از این پس «افسیا»)^۱ نیز در سال ۱۹۷۶ مقرر شد که «یک دولت خارجی از صلاحیت محاکم ایالات متحده [محاکم فدرال] و ایالت‌ها [محاکم ایالتی] مصون است».^۲ با این حال، پس از دو دهه، این قانون دست‌خوش تغییراتی شد و رویه قانون‌گذاری و قضایی این کشور به صورت گام‌به‌گام در جهت تسهیل طرح دعوا علیه دولت‌هایی که منافع این کشور را تهدید می‌کنند و از گروه‌هایی به‌زعم این کشور، تروریستی حمایت می‌کنند، حرکت‌هایی انجام داده است. در پی این رویکرد، دعاوی بسیاری علیه جمهوری اسلامی ایران طرح شده و به صدور احکام گزاف و هنگفتی علیه ایران منتهی شده است.

1 . Foreign Sovereign Immunities Act 1976 (FSIA).

2 . 28 U.S.C. § 1604.



در این مقاله، اقدامات خصمانه اقتصادی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران را در دو محور تحریم‌های اقتصادی و صدور احکام قضایی علیه دولت جمهوری اسلامی ایران در محاکم داخلی ایالات متحده آمریکا بررسی خواهیم کرد. بدین ترتیب، ابتدا تحریم‌های دولت آمریکا علیه ایران را که واضح‌ترین اقدام خصمانه علیه منافع اقتصادی دولت و ملت ایران است، به بحث خواهیم گذاشت و پس از آن به اقدامات خرنده در پوشش احکام قضایی علیه دارایی‌ها و منافع اقتصادی ایران خواهیم پرداخت. موضوعات فوق به طور مجزا از منظر حقوق بین‌الملل ارزیابی و ظرفیت‌ها و راهکارهای قانونی طبق حقوق بین‌الملل ارائه خواهد شد.

تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران از منظر حقوق بین‌الملل

۱. پیشینه رویکرد تحریمی دولت آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران

رویکرد تحریمی دولت آمریکا از روزهای آغازین انقلاب اسلامی ایران و پس از تصرف سفارت این کشور به دست دانشجویان پیرو خط امام شروع شد و با فرامین اجرایی کلینتون، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا،^۱ مبنی بر ممنوعیت سرمایه‌گذاری در حوزه نفت و گاز میدان‌های ایرانی به صورتی تمام‌عیار خودنمایی کرد.

دولت آمریکا همگام با بدنامی حصرهای همه‌جانبه اقتصادی در سطح بین‌المللی، پس از تحمیل تحریم‌های یک‌جانبه اقتصادی علیه دولت و ملت جمهوری اسلامی ایران، به رویکرد نوین تحریم موسوم به تحریم‌های هدفمند یا هوشمند^۲ روی آورده است؛ چنان‌که رئیس‌جمهور آمریکا در فرمان اجرایی ۱۳۵۵۳ (۲۸ سپتامبر ۲۰۱۰) با عنوان «مسدود کردن دارایی برخی افراد با توجه به سوءرفتارهای جدی حقوق بشری توسط حکومت ایران و اتخاذ اقدامات دیگر»^۳ روی پیکان تحریم‌ها را متوجه هشت تن از مقامات دولت ایران کرده است. تحریم اشخاص به دلیل اعمال صلاحیت‌های قضایی و امنیتی که از موارد اقتدارات حاکمیتی دولت‌ها قلمداد می‌شوند، قابل مناقشه‌اند؛ زیرا دامنه مفهوم دولت در حقوق بین‌الملل (به ویژه از منظر مصونیت‌های قضایی) مقامات و کارگزاران دولتی را که به اعمال اقتدارات حاکمیتی می‌پردازند نیز شامل می‌شود.

1 . Executive Order 12957 , March 15, 1995 and Executive Order 12959, May 6, 1995.

2 . Smart Sanction

3 . Executive Order 13553, “Blocking Property of Certain Persons With Respect to Serious Human Rights Abuses By The Government of Iran and Taking Certain Other Actions”, Effective Date - September 29, 2010.

دولت ایالات متحده در توجیه اقدامات خود به اقدام متقابل و واکنش نشان دادن به ادعاها و اتهامات مختلفی علیه جمهوری اسلامی ایران مانند نقض حقوق بشر و حمایت از تروریسم و تلاش برای دستیابی به تسلیحات اتمی استناد می‌کند. در ادامه به تحلیل عملکرد دولت ایالات متحده در این خصوص از منظر حقوق بین‌الملل پرداخته می‌شود.

۲. تحلیل رویکرد تحریمی ایالات متحده علیه ایران و پیامدهای آن از منظر حقوق بین‌الملل؛ چالش‌ها و راهکارها

تحریم‌ها به عنوان ابزاری برای تأثیرگذاری بر تصمیم‌ها و رویکردهای دولت‌ها تلقی می‌شوند. تحریم‌های جمعی و نهادین در میثاق جامعه ملل به عنوان واکنشی به جنگ‌افروزی یک دولت عضو پیش‌بینی شد.^۱ سازوکار تحریم در فصل هفتم منشور ملل متحد (مشخصاً ماده ۴۱ منشور) نیز مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، شورای امنیت پس از احراز وضعیت تهدید یا نقض صلح یا عمل تجاوز (وفق ماده ۳۹ منشور ملل متحد) می‌تواند تصمیم‌های اجرایی از قبیل «متوقف کردن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی» (وفق ماده ۴۱ منشور ملل متحد) اتخاذ کند.

با توجه به اینکه در منشور ملل متحد، تحریم به عنوان ضمانت اجرا یا ابزاری برای وادار کردن دولت‌ها به رعایت تعهدات خود در نظر گرفته شده و شرایط آن در فصل هفتم منشور مشخص شده است، توسل به تحریم اقتصادی تنها از طریق این سازمان می‌تواند مشروع باشد (ممتاز، ۱۳۷۶: ۲۱) و در نتیجه، تحریم اقتصادی یک‌جانبه یا حتی به صورت دسته‌جمعی توسط دولت‌های عضو ملل متحد ناقض منشور به نظر می‌رسد (ممتاز، ۱۳۷۶: ۲۱). به سخن دیگر، با تفویض صلاحیت به شورای امنیت به عنوان مسئول اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی (رک: ماده ۲۴ منشور ملل متحد) ابتکار عمل دولت‌ها در اعمال فشارهای اقتصادی و سیاسی در قالب تحریم‌های یک‌جانبه کنار نهاده شده است. البته این امر نافی حق دولت‌ها در توسل به رویکرد تحریمی در چارچوب اقدام متقابل^۲ نیست؛ چنان‌که دولت ایالات متحده اقدامات خود

۱. بند ۱ ماده ۱۶ میثاق جامعه ملل مقرر می‌داشت: «هرگاه یکی از اعضای جامعه با وجود تعهدات ناشی از مواد ۱۲، ۱۳ و ۱۵، به جنگ توسل جوید، مثل این است که با تمام اعضای جامعه وارد کارزار شده است. در این صورت اعضای جامعه باید اولاً روابط تجاری و اقتصادی خود را با آن کشور بی‌درنگ قطع کنند و ثانیاً از ایجاد هرگونه رابطه میان اتباع خود و اتباع کشوری که نقض عهد کرده است، جلوگیری به عمل آورند و ثالثاً تمام مرادوات مالی و تجاری شخصی میان اتباع دولت خاطی و اتباع کشورهای دیگر را، اعم از اینکه عضو جامعه باشند یا نباشند، برهم زنند.»

2. See: Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, Report of the International Law Commission on the Work of its Fifty-third Session, UN GAOR 56th Session, Supp. No. 10, UN Doc. A/56/10 (2001), arts. 49-54.



علیه منافع دولت ایران را واکنشی در مقابل اتهامات مختلفی مانند نقض حقوق بشر و حمایت از تروریسم و تلاش برای دستیابی به تسلیحات اتمی بیان می‌کند. در اینجا بدون ورود به ماهیت اتهامات و ادعاهای طرح‌شده که پاسخ به آنها چندان ضرورتی ندارد. لازم است به قلمرو و شرایط اقدامات متقابل در حقوق بین‌الملل اشاره شود.

توسل به اقدامات متقابل^۱ از حقوق شناخته‌شده در حقوق بین‌الملل است. کمیسیون حقوق بین‌الملل در بند ۱ ماده ۴۹ طرح پیش‌نویس کنوانسیون مسئولیت بین‌المللی دولت، مقرر می‌دارد: «دولت زیان‌دیده صرفاً در راستای واداشتن دولتی که در قبال یک عمل متخلفانه بین‌المللی مسئول است، به تبعیت از تعهداتش... می‌تواند به اقدامات متقابل متوسل شود.» با این حال، اعمال اقدامات متقابل در حقوق بین‌الملل منوط به شرایطی شده است. اقدامات متقابل باید با هدف بازگرداندن کشور متخلف به تعهدات بین‌المللی‌اش باشد و امکان بازگشتن به تعهدات بین‌المللی را ناممکن نسازد.^۲ همچنین اقدام متقابل نباید متضمن زور یا تهدید به زور باشد یا ناقض قواعد بنیادین حقوق بشر و قواعد آمره باشد.^۳

کمیسیون حقوق بین‌الملل «فشار شدید اقتصادی یا سیاسی را که برای به مخاطره افکندن تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی یک دولت» صورت می‌گیرد، از جمله اقدامات متقابل غیرقانونی به شمار آورده است.^۴ با این توضیح می‌توان مدعی شد که اقدامات ایالات متحده علیه دولت و ملت ایران حتی به فرض آنکه در مقام اقدام متقابل - یعنی در واکنش به اعمال متخلفانه مورد ادعا- انجام شده باشد، شرایط قانونی لازم

1 . Counter Measures

2 . See, Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, op.cit, art. 49.

3 . Ibid, art. 50.

4 . See: UN GA, Report of International Law Commission on the work of its 48th session, 6 May–26 July 1996, GAOR Supp. No. 10 (A/51/10), p.145.

مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه‌ای با عنوان «اقدامات اقتصادی به عنوان وسیله اجبار سیاسی و اقتصادی علیه کشورهای در حال توسعه» با تأکید از کشورهای صنعتی می‌خواهد که از موضع برتر خود به عنوان وسیله اعمال فشار اقتصادی با هدف ایجاد تغییر در سیاست‌های اقتصادی، سیاسی، تجاری و اجتماعی سایر کشورها استفاده نکنند (قطعنامه شماره ۱۹۹۱، ۲۱۰). علاوه بر این، کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (انکتاد) در قطعنامه‌ای با عنوان «عدم قبول اقدامات اقتصادی قهرآمیز» تصریح می‌کند که تمام کشورهای توسعه‌یافته باید از اعمال محدودیت‌های تجاری، محاصره، ممنوعیت معامله و سایر مجازات‌های اقتصادی مغایر مقررات منشور ملل متحد ... علیه کشورهای در حال توسعه، به عنوان شکلی از اجبار سیاسی که بر توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی این کشورها اثر می‌گذارد، خودداری ورزند (قطعنامه شماره ۱۵۲، ۱۹۸۳). همچنین ماده ۳۲ منشور حقوق و وظایف اقتصادی دولت‌ها اعلام می‌دارد که هیچ دولتی نمی‌تواند از اقدامات اقتصادی، سیاسی یا هر نوع دیگر از این اقدامات، برای مجبور کردن دولتی دیگر به منظور فرمان‌برداری از آن در اعمال حق حاکمیت خود استفاده یا این اقدامات را تشویق کند (به نقل از: حدادی، ۱۳۸۲: ۱۱۷-۸). برای اطلاع بیشتر رک:

را رعایت نکرده و به منزله وسیله‌ای نامشروع برای نیل به هدفی که مشروع جلوه داده شده است، ارزیابی می‌شود.

علاوه بر این، برخی با استناد به جزء «الف» بند ۲ ماده ۵۰ پیش‌نویس طرح مسئولیت بین‌المللی دولت بر این باورند که اگر بین دولت خاطی و دولتی که از نقض حقوق بین‌الملل متضرر شده است، ترتیبی برای ارجاع اختلاف به روش‌های الزام‌آور حل و فصل اختلافات وجود داشته باشد، باید قبل از توسل به اقدام متقابل، اختلاف را به این مراجع ارجاع دهد. بنابراین از آنجا که میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا پیمان الجزایر (بیانیه الجزایر) منعقد شده و بر اساس آن، اختلافات باید به دیوان داوری ایران و آمریکا ارجاع شود، هر طرف باید قبل از توسل به اقدامات متقابل از جمله تحریم‌های اقتصادی، ادعای خود را درباره نقض تعهد توسط طرف دیگر به دیوان ارجاع دهد (حدادی، ۱۳۸۲: ۱۲۰).

به هر حال، در دهه‌های اخیر تحریم‌ها به ابزار جایگزین برای مداخله نظامی یا سیاسی تبدیل شده‌اند؛ در حالی که تحریم‌های اقتصادی می‌توانند بسیاری از حقوق و آزادی‌های بشری را مخدوش یا مختل کنند. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در نظریه عمومی شماره ۸ خود با عنوان «ارتباط میان تحریم‌های اقتصادی و رعایت حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، تحریم‌های اقتصادی را در قریب به اتفاق موارد، دارای اثری قابل ملاحظه بر حقوق مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) دانسته است که برای مثال، غالباً توزیع مایحتاج خوراکی، پزشکی و دارویی و اصول بهداشتی را به طور جدی با مشکل مواجه می‌سازند (See, UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR), 12 December 1997: para. 3). در واقع، اگرچه کالاهای بشردوستانه مانند محموله‌های خوراکی یا دارویی از تحریم استثنا خواهند بود، در جایی که دارایی‌های خارجی برای واردات این اقلام در دسترس نباشد، مثلاً حساب‌های بانکی خارجی مسدود شده باشد، این استثنا عملاً بی‌نتیجه خواهد بود (See: Morin and Miles, 2000: 159). ضمن آنکه به دلیل ارتباط سلامتی مردم با سطح توسعه‌یافتگی و وضعیت اقتصادی آن کشور، تحت فشار قرار دادن اقتصاد یک کشور با وضع تحریم، سلامت آحاد ملت و شهروندان آن کشور را به مخاطره می‌افکند و طبعاً چنین تحریم‌هایی نمی‌تواند مشروع تلقی شود (see: Lopez and Cortright, 1997: 1-25).

۱. به نظر می‌رسد بر اساس این مقرر، دولتی که به اقدامات متقابل مبادرت می‌ورزد، از انجام تعهداتش طبق آیین‌های حل و فصل اختلاف که میان آن دولت و دولت خاطی لازم‌الاجراست، برکنار نمی‌شود. به عبارت دیگر، سازوکارهای حل اختلاف که به صورت خاص میان دو دولت در نظر گرفته شده‌اند، همچنان قابل اجرا هستند و در نتیجه می‌توان از ظرفیت هر دو راهکار بهره جست.



تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا به طور اصولی مغایر بیانیه الجزایر (۱۹۸۱) هستند. پاراگراف ۱۰ این بیانیه، تمام تحریم‌ها و مجازات اقتصادی و تجاری پس از نوامبر ۱۹۷۹ را لغو کرده و برقراری مجدد تحریم‌هایی مشابه را مجاز ندانسته است. همچنین در ماده ۱ بیانیه عمومی الجزایر مقرر شده است که «سیاست ایالات متحده آمریکا این است و از این پس نیز این خواهد بود که مستقیم یا غیرمستقیم در امور داخلی ایران، در امور سیاسی یا نظامی مداخله‌ای نکند». تعمیم تحریم‌ها علیه مقامات و کارگزاران دولت ایران (با ادعای نقض حقوق بشر در ایران پس از انتخابات ۸۸) را نیز چیزی جز مداخله در امور داخلی نمی‌توان قلمداد کرد. چنین رویکردی نقض صریح و آشکار این پیمان است که از اصلی‌ترین مقررات آن مداخله نکردن در امور داخلی جمهوری اسلامی است.

تعهد دولت آمریکا به عدم مداخله در امور داخلی ایران علاوه بر آنکه در حقوق بین‌الملل عام ریشه دارد، در حقوق بین‌الملل معاهداتی میان این کشور و دولت ایران نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛ چنان‌که اعلامیه ۱۹۷۰ مجمع عمومی ملل متحد در خصوص اصول حقوق بین‌الملل حاکم بر روابط دوستانه که دربرگیرنده اصول مسلم حقوق بین‌الملل عرفی است، تعهد دولت‌ها به خودداری از هرگونه اقدام قهری را که مردمان را از بسط اصل حقوق برابر و حق تعیین سرنوشت و آزادی و استقلال آنان بازمی‌دارد، گوشزد کرده و حق یک دولت یا جمعی از دولت‌ها را به مداخله مستقیم یا غیرمستقیم، به هر دلیل و به هر وسیله، در امور داخلی یا خارجی دولت دیگر انکار کرده و آن را مغایر حقوق بین‌الملل دانسته است. به همین ترتیب، آمریکا در معاهده مودت با دولت ایران (۱۹۵۵) که به تأیید دیوان بین‌المللی دادگستری، «جزئی از نظام حقوقی قابل اجرا میان ایالات متحده و ایران»^۱ به شمار می‌رود، متعهد به برقراری آزادی تجارت و دریانوردی میان طرفین شده است (بند ۱ ماده ۱۰) و جواز تحصیل و انتقال اموال توسط اتباع طرفین دست‌کم در حدی که به اتباع دول ثالث به عمل می‌آید، مورد پذیرش قرار گرفته است (بند ۱ ماده ۵).

بنا بر آنچه بیان شد، اقدام دولت آمریکا در تحریم دولت و برخی دولتمردان جمهوری اسلامی ناقض تعهدات این دولت بر اساس حقوق بین‌الملل عام و خاص بوده و دولت ایران به عنوان متضرر از این اقدامات هم از حق رجوع به روش‌های خاص حل و فصل اختلافات میان دو دولت برخوردار است و هم از حق کلی توسل به اقدامات

1 . Case Concerning United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran (United States v. Iran), Judgment of May 24, 1980, I.C.J. Reports 1980, p. 28.

متقابل می‌تواند بهره جوید. بنابراین، تحریم برخی مقامات آمریکایی در پاسخ به اقدام دولت آمریکا در تحریم برخی افراد که متصدی سمت‌های رسمی دولت ایران بوده‌اند، در چارچوب اقدام متقابل امری موجه خواهد بود.

صدور احکام قضایی علیه دولت جمهوری اسلامی ایران در محاکم داخلی ایالات متحده آمریکا از منظر حقوق بین‌الملل

مصونیت دولت یکی از اصول حقوق بین‌الملل عرفی است که به موجب آن، دادگاه‌های داخلی یک دولت صلاحیت قضاوت در مورد اقدامات کشورهای دیگر را ندارند. البته حقوق بین‌الملل معاصر مصونیت قضایی دولت‌ها را به صورت قاعده‌ای مقید در آورده است و دامنه اعمال یا اشخاص مصون را تا آنجا که حاکمیت را نمایندگی می‌کنند، پذیرفته است. علت وجودی مصونیت دولت در پرتو حقوق بین‌الملل عرفی آن است که دولت‌ها بتوانند به نحو مؤثر نقش‌های عمومی را ایفا کنند و روابط بین‌المللی دچار آشفتگی نشود.

قانون مصونیت دول خارجی ایالات متحده (افسیا) در سال ۱۹۷۶ به تصویب رسید و در آن مقرر شد که «یک دولت خارجی از صلاحیت محاکم ایالات متحده [محاکم فدرال] و ایالت‌ها [محاکم ایالتی] مصون است».^۱ با این حال، پس از گذشت دو دهه از این قانون، رویه قانون‌گذاری و قضایی این کشور به صورت گام‌به‌گام در جهت تسهیل طرح دعوا علیه دولت‌هایی که منافع این کشور را تهدید می‌کنند، حرکت‌هایی کرده است. در پی این رویکرد، دعاوی بسیاری علیه جمهوری اسلامی ایران طرح شده و به صدور احکام گزاف و هنگفتی علیه ایران منتهی شده است.

۱. سلب مصونیت قضایی ایران در ایالات متحده: استثنای تروریسم بر اصل مصونیت قضایی یا مستثنی کردن دولت‌های به اصطلاح حامی تروریسم از مصونیت قضایی؟
«استثنای تروریسم» بر افسیا بدو به عنوان جزئی از قانون الزام به جبران خسارت زیان‌دیده (۱۹۹۶)^۲ مطرح شد که خود بخشی از قانون کلی‌تر مقابله با تروریسم و مجازات مؤثر مرگ (۱۹۹۶)^۳ بود. این استثنا مجوزی برای طرح دعوا علیه برخی دولت‌های خارجی است که از تروریسم منجر به لطمات جسمی و جانی حمایت کرده‌اند.^۴

1 . 28 U.S.C. § 1604.

2 . The Mandatory Victim's Restitution Act of 1996.

3 . Anti-Terrorism and Effective Death Penalty Act of 1996 ("AEDPA").

4 . See 28 U.S.C. § 1605(a)(7).



به موجب قانون مذکور، یک دولت خارجی که در یک دعوی جبران خسارت مالی [جبران تقویم‌شده به پول] ناشی از عمل شکنجه، قتل فرا قضایی^۱، عملیات خرابکارانه هواپیمایی، گروگان‌گیری یا پشتیبانی مادی و [تأمین] منابع^۲ چنین اقدامی از ناحیه یک مأمور رسمی، کارمند یا کارگزار آن دولت خارجی که در سمت رسمی، کاری یا کارگزاری خود صورت داده است،^۳ خوانده و طرف دعوا قرار گرفته باشد، دارای مصونیت نیست؛ هرگاه چنین اعمالی توسط کارمندان یا کارگزاران آن دولت در سمت رسمی و شغلی آنان صورت گرفته باشد. البته این مقررره عمومیت ندارد و تنها ناظر به دولت‌هایی است که در زمان اعمال مورد بحث توسط وزارت امور خارجه به عنوان دولت‌های به اصطلاح حامی تروریسم شناخته شده باشند و به علاوه، قربانی یا خواهان دعوا باید شهروند ایالات متحده باشد. این قانون، به دادگاه‌ها امکان صدور رأی به خسارات ترمیمی و تنبیهی را نیز می‌داد (See: Ackerman, 25 January 2002: 4)

این رویکرد با تصویب «اصلاحیه فلاتو»^۴ دنبال شده و با تصویب قانون مجوز دفاع ملی (NDAA) در ژانویه ۲۰۰۸ به اوج خود رسیده^۵ و بر این اساس، حق طرح دعوا علیه دولت‌های - به‌زعم دولت آمریکا- حامی تروریسم و امکان اجرای حکم صادره علیه اموال آنان^۶ تسهیل شده و در عین حال، قلمرو شکات و افراد مدعی ضرر و زیان افزایش یافته است.^۷

«دولت حامی تروریسم» به موجب قانون یادشده (28 U.S.C. § 1605A) عبارت است از: «دولتی که وزارت امور خارجه... به عنوان حکومتی شناخته است که مکرراً از اعمال تروریسم بین‌المللی حمایت کرده است».^۸

1 . Extrajudicial Killing

2 . Material Support or Resources

۳ . جالب اینجاست که دادگاه آمریکایی در قضیه مربوط به انفجار سفارت ایالات متحده در سال ۱۹۹۸ واحد قصد پشتیبان و عامل را ضروری ندانسته و حمایت و مساعدت کلی را که موجب تسهیل یا زمینه‌سازی برای ارتکاب اعمال تروریستی شود، کافی تلقی کرده است. به سخن دیگر، دادگاه پشتیبانی مادی در جهت ارتکاب عملی خاص را لازم ندانسته است. برای اطلاع بیشتر رک:

Judith Abasi Mwila, et al. v. The Islamic Republic of Iran, et al., Civil Action No. 08-1377 (JDB), 28 November 2011 [“1998 U.S. Embassy Case”], p. 36.

4 . “Flatlow Amendment”

5 . The 2008 National Defense Authorization Act (“NDAA”), P.L. 110-181, § 1083.

6 . P.L. 110-181, § 1083(a)(1), modifying Chapter 97 of Title 28, U.S.C. § 1605A.

۷ . به موجب اصلاحیه ۲۰۰۸ افسیا، چهار دسته از افراد اجازه طرح دعوا علیه دولت‌های - به‌زعم دولت آمریکا- حامی تروریسم را به سبب لطمات جسمی و جانی ناشی از اعمال آنها با خواسته دریافت خسارات ترمیمی و تنبیهی دارند: شهروندان، اعضای نیروهای مسلح، کارکنان و پیمانکاران یا افراد طرف قرارداد با دولت ایالات متحده و نمایندگان قانونی این اشخاص (28 U.S.C. § 1605A(c)).

8 . 28 U.S.C. § 1605A(h)(6).



ایران در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۴ توسط وزارت امور خارجه آمریکا، دولتی حامی تروریسم شناخته شد و این امر رسماً توسط جورج شولتز، وزیر وقت امور خارجه، اعلام شد^۱ و با قوانین یادشده، مجوز طرح دعوی بسیار و صدور احکامی هنگفت علیه این کشور فراهم آمد. عمده آرای صادره علیه جمهوری اسلامی ایران به دلیل حمایت ایران از گروه‌های جهادی و مقاومت و به طور خاص حزب‌الله بوده است^۲ که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

در انفجار مقر تفنگداران دریایی آمریکا در بیروت (۱۹۸۳) که به کشته شدن ۲۴۰ خدمه و کاپیتان پترسون منجر شد، دعوایی علیه ایران با ادعای مشارکت ایران در این واقعه اقامه شد.^۳ در می ۲۰۰۳ در دعوایی که توسط بستگان ۲۴۱ خدمه‌ای که در این واقعه جان باخته بودند، طرح شده بود، قاضی رویس لمبرت^۴ اعلام کرد که جمهوری اسلامی ایران (به دلیل حمایت از حزب‌الله) مسئول حمله ۱۹۸۳ است.^۵ بر این اساس، ایران در سال ۲۰۰۷ به پرداخت ۲/۶۵ میلیارد دلار غرامت محکوم شد (Lamb, 14 July 2012). در حالی که بسیاری در دولت ایالات متحده از این ادعا که حزب‌الله مسئول انفجار مقر نیروهای دریایی بوده است، حمایت نکرده‌اند. برای نمونه، کاسپر وینبرگر،^۶

1 . See 49 Fed. Reg. 2836-02 (statement of Secretary of State George P. Schultz, Jan. 23, 1984).

۲ . اگرچه پرداختن به ایرادات ماهوی احکام صادره فوق از حوصله بحث ما خارج است، اما اشاره به معیار انتساب اعمال به دولت - که شرط لازم برای طرح مسئولیت خواهد بود- خالی از فایده نیست. مسئله پشتیبانی تجهیزاتی و مادی گروه‌های تروریستی توسط دولت‌ها در قضیه نیکاراگوئه در دیوان بین‌المللی دادگستری مورد توجه قرار گرفته است. دیوان در این رأی اظهار داشته است که هرچند پشتیبانی لجستیکی و مساعدت مالی- تسلیحاتی شورشیان می‌تواند ناقض حقوق بین‌الملل (به‌ویژه اصل عدم مداخله در امور داخلی یک دولت دیگر) باشد، اما این کمک به طور معمول برای آنکه آن دولت طرف یک مخاصمه مسلحانه قلمداد شود، کافی نیست. برای اطلاع بیشتر رک:

Case Concerning Military and Paramilitary Activities In and Against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), 27 June 1986, ICJ Rep. 1986, pp.103-104. For more information see, Antonio Cassese, "The International Community's "Legal" Response to Terrorism", The International and Comparative Law Quarterly, Vol. 38, No. 3 (Jul., 1989), p. 599. See also, Report of the International Law Commission on the Work of Its Fifty-Third Session (2001), UN GAOR, 56th Sess., Supp. No. 10, UN Doc. A/56/10, p. 45.

در واقع، رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در انتساب اعمال اشخاص و گروه‌ها به دولت، مبنی بر کنترل مؤثر دولت بر آنهاست؛ در حالی که رویه قضایی ایالات متحده، صرف نظر از معیارهای منطقی و حقوقی انتساب مسئولیت، به صدور احکامی تعجب‌برانگیز اقدام کرده است. در این قضایا، نه تنها معیار کنترل مؤثر بلکه کنترل کلی نیز برای انتساب مسئولیت مدنی ناظر بر اعمال زبان‌بار به دولت احراز نشده بلکه صرف معیار حمایت و پشتیبانی را ملاک انتساب مسئولیت جبران خسارات به دولت‌های حامی تلقی شده است.

3 . Peterson v. Islamic Republic of Iran, 515 F. Supp. 2d 25 (D.D.C. 2007).

4 . Judge Royce C. Lamberth

۵ . گفتنی است که ایران، سوریه و حزب‌الله دخالت در این واقعه را رد کردند.

6 . Caspar Weinberger



وزیر دفاع آمریکا در زمان این انفجار، در سال ۲۰۰۱ اظهار داشت: «با این حال، ما همچنان از اینکه چه کسی مقرر نیروهای دریایی در فرودگاه بیروت را منفجر کرده است، واقعاً اطلاع نداریم و مطمئناً بعد از این هم [چنین اطلاعی] پیدا نخواهیم کرد.»^۱ از دعوی قابل تأمل دیگر در محاکم ایالات متحده می‌توان به شکوائیه‌ای که علیه جمهوری اسلامی به دلیل دخالت در حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ اقامه شد، اشاره کرد (The United States District Court for the District of Columbia, September 11, 2001 Case). پیرو دعوی مذکور، در دسامبر ۲۰۱۱ یک دادگاه بخش منهتن اظهار داشت که ایران و حزب‌الله به طور مادی و مستقیماً از حملات القاعده در واقعه مورد بحث حمایت کرده‌اند. متعاقباً قاضی فدرال، فرانک ماس،^۲ القاعده و ایران را مسئول حملات یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ شناخت و حکم به پرداخت ۶ میلیارد دلار غرامت به ۱۱۰ بازمانده و وراثت ۴۷ قربانی داد.^۳

در حالی که در بخش هفتم گزارش کمیسیون ۹/۱۱ (کمیسیون یازدهم سپتامبر) گفته شده که ایران از طرح یازدهم سپتامبر بی‌اطلاع بوده است. در واقع، به رغم ادعای شورای روابط خارجی آمریکا مبنی بر همکاری القاعده و حزب‌الله، شواهد محکمی دال بر این موضوع ارائه نشده است؛ چنان‌که شواهد قانع‌کننده‌تری وجود دارد که نشان می‌دهد دولت ایالات متحده و سیا در آموزش و همکاری با عرب‌های افغان که در نهایت به عضویت القاعده در می‌آیند، دخالت و مسئولیت داشته‌اند. اسنادی وجود دارد که نشان می‌دهد اسامه بن لادن مستقیماً با سیا همکاری کرده است تا جایی که وی در سال ۱۹۷۹ از طرف این سازمان در استانبول استخدام شده است. به علاوه، وی از رابطه نزدیک و دوستانه‌ای با شاهزاده بن فیصل، رئیس سابق سازمان اطلاعات عربستان، برخوردار بوده است (See, Marshall, September 7, 2010). در حالی که تاکنون هیچ دعوایی علیه سرویس‌های جاسوسی ایالات متحده، عربستان یا پاکستان و دول متبوع آنان اقامه نشده است (Kurt Nimmo, August 1, 2012).

1 . See: <http://www.b-29s-over-korea.com/USMC-barracks-bombing/USMC-barracks-bombing.html>

2 . Frank Maas

3 . The judgment (havlish et al. v. bin laden et al.) available at:<http://www.nylj.com/nylawyer/adgifs/decisions/122711daniels.pdf>

For more information see: “U.S. District Court Rules Iran Behind 9/11 Attacks”, December 23, 2011. at: <http://iran911case.com/>



۲. تحلیلی بر نقض مصونیت قضایی دولت جمهوری اسلامی ایران در ایالات

متحده از منظر حقوق بین‌الملل؛ چالش‌ها و راهکارها

اصل مصونیت قضایی دولت‌ها به مثابه مانعی صلاحیتی، دادگاه‌های داخلی را از رسیدگی به دعاوی علیه دولت‌های خارجی باز می‌دارد. «دولت» در این چارچوب شامل دولت و نهادهای مختلف حکومتی، اجزای دولت فدرال یا تقسیم‌های سیاسی دولت و نمایندگان دولت است که به مثابه موجودیتی واحد محق به مصونیت است.^۱ دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مصونیت‌های صلاحیتی دولت با استناد به یافته کمیسیون حقوق بین‌الملل در ۱۹۸۰ اعلام داشته که مصونیت دولت «به عنوان یک قاعده کلی عرفی حقوق بین‌الملل که ریشه‌ای محکم در رویه اخیر دولت‌ها دارد، پذیرفته شده است».^۲ البته پذیرش اصل مصونیت قضایی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل عرفی به معنای مطلق بودن آن نیست و این اصل نیز همانند غالب قواعد حقوقی پذیرای استثنائاتی شده است. استثنای اعمال تصدی‌گری دولت از مصونیت قضایی یکی از بارزترین این استثنائات است؛ بدین معنا که مصونیت قضایی دولت صرفاً محدود به اعمال حاکمیتی شده است (see: Caplan, Oct., 2003: 743).

بنا بر آنچه گذشت، اصلاحات قانون مصونیت دول خارجی (افسیا) از اواخر قرن بیستم را رویکردی بدعت‌آمیز^۳ و خلاف حقوق بین‌الملل باید تلقی کرد؛ چنان‌که ایالات متحده در اصلاحیه‌های اخیر خود بر قانون مذکور، برخی کشورها را به عنوان کشورهای حامی تروریسم از مصونیت در برابر برخی اعمال مستثنا کرده است. بر این اساس، امکان اقامه دعوا توسط اتباع آمریکا علیه دولت‌های به اصطلاح حامی تروریسم، به زعم ایالات متحده، فراهم شده است؛ بدون آنکه این امکان در مورد اعمال اتهامی مشابه در قبال سایر دولت‌ها وجود داشته باشد. به سخن دیگر، رویکرد ایالات متحده نسبت به اعمال مشمول مصونیت تغییر نیافته، بلکه نسبت به دولت‌های مشمول مصونیت رفتاری دوگانه رخ داده است.

1 . Report of the International Law Commission on the Work of Its Forty-Third Session, UN GAOR, 46th Sess., Supp. No. 10, UN Doc. A/46/10 (1991), Draft Articles on Jurisdictional Immunities of States and Their Property, with Commentaries (1991), Article 2, p. 14.

2 . Yearbook of the International Law Commission, 1980, Vol. II (2), p. 147, para. 26.

3 . See: Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece Intervening), 3 February 2012, Judgment, ICJ Reports 2012 [“Jurisdictional Immunities of the State Case”], para. 88.



چنان‌که در دعوای پرینز، دادگاه‌های ایالات متحده درخواست غرامت ناشی از جنایات ضد بشری نازی‌ها در اردوگاه‌های اسرای جنگی را رد کردند و مصونیت دولت آلمان را مورد تأیید قرار دادند (See Prinz v. Federal Republic of Germany, 1992); همچنین در دعوای دیچتر^۱ که در آن از مدیر سابق سرویس امنیت عمومی رژیم اشغالگر قدس به علت ایفای نقش در حمله نظامی به نوار غزه در جولای ۲۰۰۲ شکایت شده بود، دادگاه حوزه جنوبی نیویورک بیان داشت که از دیرباز مصونیت مقامات خارجی در ارتباط با اعمال رسمی مورد شناسایی قرار گرفته است. دادگاه شمول استثنای ضد تروریسم مندرج در قانون مصونیت دول خارجی را محدود به ردّ مصونیت دولت‌های حامی تروریسم دانسته و اظهار داشته است که حتی در صورتی که خواندگان اسرائیلی مرتکب نقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل - به عنوان مهم‌ترین قواعد نظام حقوق بین‌الملل - شده باشند، این وضعیت به خودی خود نمی‌تواند اعراض ضمنی از مصونیت موضوع این قانون تلقی گردد (خضری، بهمن ۸۸: ۳۰۵-۳۰۶).

دیوان بین‌المللی دادگستری در پاراگراف ۵۶ رأی خود در قضیه مصونیت‌های صلاحیتی دولت، مصونیت دولت - در جایی که وجود دارد- را «حق» دولت خارجی دانسته است که باید توسط محاکم ملی در بدو رسیدگی و پیش از بررسی ماهیت دعوا مورد ملاحظه قرار گیرد و این امر نباید تحت تأثیر شرایط خاص دعوا و مدعیات قرار گیرد (Jurisdictional Immunities of the State Case, para. 106). دیوان در قضیه مذکور اذعان می‌دارد که در حقوق بین‌الملل موجود، یک دولت به دلیل اتهام نقض‌های فاحش حقوق بشر یا حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه (حقوق بشر دوستانه) از مصونیت محروم نمی‌شود (Jurisdictional Immunities of the State Case, para. 91). این دیوان در دعوای کنگو علیه بلژیک نیز اظهار داشته است که بررسی رویه دولت‌ها و اسناد محاکم کیفری بین‌المللی حاکی از وجود استثنای نقض ارزش‌های بنیادین و قواعد آمره بر مصونیت نیست.^۲

بنا بر آنچه گذشت، استثنای مصونیت قضایی دولت‌ها به ادعای حمایت از تروریسم در نظام حقوقی ایالات متحده، بی‌تردید، بر خلاف حقوق بین‌الملل بوده و هست. ضمن آنکه ایالات متحده این رویکرد را به منزله یک رویکرد قانونی عام برای حمایت

1 . Matar v. Dichter, 500 F Supp. 2d 284 (SDNY 2007).

2 . Case Concerning the Arrest Warrant of 11 April 2000 (Democratic Republic of the Congo v. Belgium), ICJ Reports 2002, para. 58.



از منافع قربانیان تروریسم - در تمامی موارد- دنبال نکرده و به عبارت دیگر، دولت آمریکا نسبت به سلب مصونیت از دولت‌هایی که از تروریسم حمایت می‌کنند، در کل اعتقادی ندارد و آن را نه به عنوان قاعده‌ای کلی و عمومی که به مثابه رفتاری ترجیحی نسبت به اتباع خود و در قبال دولت‌هایی خاص در نظر می‌گیرد. از سوی دیگر، این دولت در توجیه اقدام خود به اقدام متقابل استناد نکرده است و در واقع، اقدامات دولت آمریکا نمودی از اعمال فرا سرزمینی قوانین داخلی بر خلاف قواعد و اصول حقوق بین‌الملل است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

قلمداد کردن تروریسم و حمایت مادی از آن به عنوان استثنایی بر مصونیت قضایی دولت ادعایی است که تنها در ایالات متحده آمریکا و با در نظر گرفتن استانداردی دوگانه مطرح شده است. در واقع، نمی‌توان از استثنای تروریسم بر اصل مصونیت قضایی دولت‌ها سخن گفت و از سوی دیگر، قضاوت در مورد حمایت از تروریسم و دولت‌های حامی آن را به قضاوت سیاسی نهادهای دولت واگذار کرد؛ به گونه‌ای که جبران خسارت افراد زیان‌دیده از اعمال تروریستی ادعایی تنها در مواردی روا باشد که به دولت‌هایی که به صورت پیش‌فرض توسط وزارت امور خارجه آمریکا، حامی تروریسم خوانده شده‌اند، منتسب شود و هرگاه همان اعمال به دولتی دیگر منتسب باشد، این دعوی مسموع نباشد. چنین رویکردی با موازین حقوقی و قضایی سر سازگاری ندارد و با عمومیت داشتن که از ویژگی‌های قانون است، همسو نیست. این رویکرد را نه به معنای پذیرش استثنای کلی ضد تروریسم بر مصونیت در نظام حقوقی ایالات متحده بلکه به مثابه دستاویزی برای اعمال فشار و تهدید منافع و دارایی دولت‌هایی می‌توان ارزیابی کرد که ایالات متحده آنها را حامی تروریسم می‌خواند.

علاوه بر مورد فوق، تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده علیه دولت جمهوری اسلامی ایران و کارگزاران آن، نوعاً در چارچوب تصمیم‌های الزام‌آور سازمان ملل متحد یا اقدامات متقابل نیستند تا از وجاهت قانونی برخوردار شوند. علاوه بر این، با افتادن در ورطه نقض حقوق بنیادین بشری، به طور مضاعفی نامشروع و ناقض تعهدات معاهداتی و حقوق بین‌الملل عام هستند. بر این اساس و در چارچوب نظام عام مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، جمهوری اسلامی ایران به عنوان زیان‌دیده از اعمال متخلفانه دولت آمریکا از حق توسل به اقدامات متقابل برخوردار است.



حقوق بین‌الملل اقدامات متقابل را به عنوان حق مشروع هر دولت در شرایطی که حقوق آن مورد هجمه قرار می‌گیرد به رسمیت شناخته است. طرح «تحریم و تعقیب برخی مقامات آمریکایی» که فوریت آن در سال ۱۳۹۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، پاسخی قانونی و گامی ضروری در مقام اقدام متقابل خواهد بود^۱ که متأسفانه هنوز به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است. به نظر می‌رسد پیش‌بینی امکان تحریم اشخاص حقوقی به خصوص در جامعه آمریکا که در آن شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی نقشی مؤثر در اجرای سیاست‌های این کشور دارند و در نقض بسیاری از هنجارهای حقوق بین‌الملل سهیم هستند، بر کارایی این طرح می‌افزاید. همچنین اقدام متقابل متناسب، با توجه به اینکه سیاست تحریمی ایالات متحده، اشخاص حقیقی و حقوقی را دربرمی‌گیرد، اتخاذ رویکرد پیش‌گفته را تأیید می‌کند.

البته از آنجا که میان ایران و آمریکا روابط اقتصادی فعالی برقرار نیست، سازوکار تحریم به عنوان اقدامی متقابل به‌رغم لزوم آن، کارایی کافی ندارد. از این رو، علاوه بر امکان طرح دعوا در دیوان داوری ایران-آمریکا (که در حال حاضر در پرونده الف/۳۰ به علت تحریم‌های آمریکا در این دیوان در حال پیگیری است) می‌توان طرح این موضوع را در گزارش‌های بعدی بررسی‌های دوره‌ای شورای حقوق بشر (بر مبنای نقض حق جمعی تعیین سرنوشت و حقوق فردی افراد مشمول تحریم) مد نظر قرار داد.

کاربست حقوقی در اختلافات بین‌المللی به خصوص اگر این اقدامات در مراجع قضایی معتبری چون دیوان بین‌المللی دادگستری پیگیری شوند، اقدامی است که از سوی جمهوری اسلامی ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ حال آنکه استفاده از این راهکار در مواردی که مبانی صلاحیتی وجود دارد، می‌تواند نتایج بسیار مؤثری در پی داشته باشد. البته ارجاع اختلاف به دادگستری دلیلی بر پیروزی خواهان نیست و این موضوع نیز می‌تواند متضمن هزینه‌هایی بر خواهان باشد. اما اگر نگاه دقیق‌تری بر برآورد هزینه‌های سیاسی و حقوقی ماجرا داشته باشیم، خواهیم دید که ابزارهای حقوقی راه‌گشا تر از شیوه‌های سیاسی هستند؛ به خصوص زمانی که موضوع باید از

۱. پیشتر «قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی» (مصوب ۱۳۷۸) بستر قانونی اعمال صلاحیت محاکم داخلی ایران علیه دولت آمریکا را فراهم آورده است: «به موجب این قانون، اتباع ایرانی می‌توانند در موارد ذیل از اقدامات دولت‌های خارجی که مصونیت قضایی ناشی از مصونیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران یا مقامات رسمی آن را نقض کرده باشند، در دادگستری تهران اقامه دعوا کنند. در این صورت دادگاه مرجع الیه مکلف است به عنوان عمل متقابل به دعوی مذکور رسیدگی و طبق قانون حکم مقتضی صادر کند».



طریق قانونی آن دنبال شود. ضمن اینکه توسل به شیوه‌های حقوقی چهره موجهی از خواهان خواهد ساخت که پیام متابعت از حاکمیت قانون نیز برای طرف خواننده و مرجع قضایی خواهد داشت. طرح دعوا در محاکم داخلی کشورهای اروپایی علیه تحریم‌های یک‌جانبه ثانویه ایالات متحده نیز می‌تواند راهکاری قابل بررسی در این راستا باشد.

استفاده از ظرفیت مجامع و سازمان‌های بین‌المللی از جمله مجمع عمومی ملل متحد یکی دیگر از ابزارهای سیاسی و دیپلماتیکی است که می‌تواند مورد توجه جدی دستگاه دیپلماسی قرار گیرد.^۱

استناد به رویه غیرقانونی دولت ایالات متحده در نهادهای حقوق بشری بیش از منافع مستقیم احتمالی که برای کشور دارد، می‌تواند آثار بازدارندگی مثبتی در پی داشته باشد. ضمن آنکه کثرت دعاوی اشخاص حقیقی و حقوقی زیان‌دیده از تحریم می‌تواند پیامدهای سیاسی و حقوقی خاصی در پی داشته باشد و مآلاً دیپلماسی عمومی ایران را تقویت کند و گامی برای تأمین منافع ملی ایران قلمداد شود. این رویکرد را می‌توان به مثابه راهبرد قضایی مقابله با تحریم تلقی کرد.

منابع فارسی

- «قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی» (مصوب ۱۳۷۸).
- حدادی، مهدی (۱۳۸۲)، «تحریم‌های بین‌المللی، ابزار سیاست ملی یا ضمانت اجرایی بین‌المللی»، اندیشه‌های حقوقی، ش ۳.
- خضری، سید مرتضی (۱۳۸۸)، مستثنیات و موارد سقوط مصونیت دولت در پرتو تحولات جاری تقنینی و قضایی بین‌المللی، رساله دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی.
- ممتاز، جمشید (۱۳۷۶)، ایران و حقوق بین‌الملل، چ ۱، تهران: نشر دادگستر.

۱. گفتنی است که دولت کوبا از ظرفیت مجمع عمومی سازمان ملل متحد به خوبی استفاده کرده و موفق به تصویب قطعنامه در جهت محکوم‌سازی ایالات متحده در تحریم این کشور شده است. برای آگاهی بیشتر رک:

Report of the Secretary-General, "Necessity of ending the economic, commercial and financial embargo imposed by the United States of America against Cuba", A/67/118, 16 August 2012.



منابع لاتین

- Anti- Terrorism and Effective Death Penalty Act of 1996 (“AEDPA”).
- Caplan, Lee M. (2003), “State Immunity, Human Rights and *Jus Cogens*: A Critique of the Normative Hierarchy Theory”, *The American Journal of International Law*, Vol. 97, No. 4.
- Case Concerning Military and Paramilitary Activities in and Against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), 27 June 1986, ICJ Rep. 1986.
- Case Concerning United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran (United States v. Iran), Judgment of May 24, 1980, I.C.J. Reports 1980.
- Cassese, Antonio (1989), “The International Community’s “Legal” Response to Terrorism”, *The International and Comparative Law Quarterly*, Vol. 38, No. 3.
- *Declaration on the Prohibition of Military, Political or Economic Coercion in the Conclusion of Treaties*, annexed to the Final Act of the United Nations Conference on the Law of Treaties, Vienna, 23 May 1969.
- Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, in Report of the International Law Commission on the Work of its Fifty-third Session, UN GAOR 56th Session, Supp. No. 10, UN Doc. A/56/10 (2001).
- Executive Order 13553, “Blocking Property of Certain Persons With Respect to Serious Human Rights Abuses By The Government of Iran and Taking Certain Other Actions”, (Effective Date - September 29, 2010).
- Foreign Sovereign Immunities Act 1976 (FSIA).
- <http://www.b-29s-over-korea.com/USMC-barracks-bombing/USMC-barracks-bombing.html>
- Judith Abasi Mwila, et al. v. The Islamic Republic of Iran, et al., Civil Action No. 08-1377 (JDB), 28 November 2011 [“1998 U.S. Embassy Case”].
- *Jurisdictional Immunities of the State* (Germany v. Italy:

Greece Intervening), 3 February 2012, - Judgment, ICJ Reports 2012 [“*Jurisdictional Immunities of the State Case*”].

- Lopez, G. A. and Cortright D.(1997), “Economic sanctions and human rights: part of the problem or part of the solution?”, *International Journal of Human Rights*, Vol. 1, No. 2.

- Marshall, Andrew Gavin (2010), “The Imperial Anatomy of Al-Qaeda. The CIA’s Drug-Running Terrorists and the Arc of Crisis”, *Global Research*, September 7, at: <http://www.infowars.com/the-imperial-anatomy-of-al-qaeda-the-cias-drug-running-terrorists-and-the-arc-of-crisis/>

- *Matar v. Dichter*, 500 F Supp. 2d 284 (SDNY 2007).

- Morin, Karine and Miles, Steven H. (2000), “The Health Effects of Economic Sanctions and Embargoes: The Role of Health Professionals”, *Annals of Internal Medicine*, Vol. 132, No. 2.

- *Princz v. Federal Republic of Germany* (1994), 307 U.S. App. D.C. 102.

- Report of the International Law Commission on the Work of Its Fifty-Third Session (2001), UN GAOR, 56th Sess., Supp. No. 10, UN Doc. A/56/10.

- Report of the International Law Commission on the Work of Its Forty-Third Session, UN GAOR, 46th Sess., Supp. No. 10, UN Doc. A/46/10 (1991), Draft Articles on Jurisdictional Immunities of States and Their Property, with Commentaries (1991).

- The 2008 National Defense Authorization Act (“NDAA”).

- The judgment (*havlish et al. v. bin laden et al.*) available at:<http://www.nylj.com/nylawyer/adgifs/decisions/122711daniels.pdf>

- The Mandatory Victim’s Restitution Act of 1996.

- The United States District Court for the District of Columbia, Case Number 1:02cv00305, Dated: May 3, 2002 [“*September 11, 2001 Case*”].

- UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR), General Comment No. 8: The relationship between economic sanctions and respect for economic, social and cultural rights, 12 December 1997, E/C.12/1997/8.



- UN GA, Report of International Law Commission on the work of its 48th session, 6 May–26 July 1996, GAOR Supp. No. 10 (A/51/10).

United Nations General Assembly, “Economic Measures as a Means of Political and Economic Coercion Against Developing Countries”, Res. 46/210, UN GAOR, 46th Sess., UN Doc. A/RES/46/210 (1991).

Yearbook of the International Law Commission, 1980, Vol. II (2).

Zarif, M. Javad and Mirzaee, Saeid, “U.S. Unilateral Sanctions against IRAN”, available at: <http://www.zarif.net/Articles/sanction-art-zar.htm>

League of Nations, *Covenant of the League of Nations*, 28 April 1919.

United Nations, *Charter of the United Nations*, 24 October 1945.

Executive Order 12957 (March 15, 1995), and Executive Order 12959 (May 6, 1995).

Case Concerning the Arrest Warrant of 11 April 2000 (Democratic Republic of the Congo v. Belgium), ICJ Reports 2002.

Ackerman, David M. (25 January 2002), “Suits Against Terrorist States”, *Congressional Research Service (CRS)*, CRS Report for Congress.

Brekhoff, Rutmer (03-02-2010), “Ban of Iranians at nuclear sites overturned”, at: http://vorige.nrc.nl/international/article2475111.ece/Boycott_banning_Iranians_from_Dutch_nuclear_sites_overturned

Lamb, Franklin (14 July 2012), “Why Iran Should Sue the U.S. at the International Court of Justice”, at: <http://www.foreignpolicyjournal.com/2012/07/14/why-iran-should-sue-the-u-s-at-the-international-court-of-justice/>

Nimmo, Kurt (August 1, 2012), “Judge Rules al-Qaeda and Iran Must Pay Billions to 9/11 Families”, at: <http://www.infowars.com/judge-rules-al-qaeda-and-iran-must-pay-billions-to-911-families/>

Report of the Secretary-General (16 August 2012), “Necessity of ending the economic, commercial and financial embargo imposed by the United States of America against Cuba”, A/67/118.

United Nations, Vienna Convention on the Law of Treaties, 23 May 1969.



Flatlow v. Islamic Republic of Iran, 999 F. Supp. 1, 27 (D.D.C. 1998).
Prinz v. Federal Republic of Germany (1992), 813 F. Supp. 22, 26
(D.D.C. 1992).

“U.S. District Court Rules Iran Behind 9/11 Attacks” (December 23,
2011), Available at:<http://iran911case.com/>

